

ایران در نامه‌های ایرانی منتسکیو

دکتر بهزاد ماشمی*

چکیده

قرن هیجدهم به عنوان نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و ادبی نه تنها فرانسه بلکه تمام دنیا به شمار می‌رود. این قرن مصادف بود با عصر روشنگری و بروز تحولات عظیم فکری و فلسفی در اروپا و به ویژه فرانسه. وقوع انقلاب کبیر فرانسه و پیدایش نهضت‌های فکری، فلسفی و سیاسی از جمله این حوادث و رویدادهای فکری بود. وجود ادیب و فیلسوفی هم‌چون منتسکیو سبب گردید تا دامنه این تغییر و تحولات به کشور ما نیز کشانده شود. وی با نوشتن دو اثر مشهور خود یعنی «نامه‌های ایرانی» و «اشک و ایسمنی» اولین تماس خود را با میهن ما برقرار ساخت. مقاله حاضر پژوهشی است در نامه‌های ایرانی.

واژه‌های کلیدی

شرق‌شناسی، رمان تخیلی، نقد اجتماعی، سیاست، آزادی

* استادیار گروه فرانسه دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

مقدمه

مردان بزرگ تنها از آن مردم و کشور خود نیستند بلکه متعلق به جهان و تمامی اعصارند زیرا افکار و آثار آنان برای تمام بشریت سودمند است. یکی از آنان منتسکیو نویسنده نامی قرن هجدهم فرانسه است که واقعاً تألیفاتش در عالم افکار سیاسی و اجتماعی آن زمان تأثیری بسزا کرد و موجب نهضت عظیم فکری در اروپا و در جهان گردید. منتسکیو از جمله ادیبانی است که برای بیان چارچوب فکری و فلسفی خود، فرهنگ و تمدن ایران را شالوده و مبنای یکی از مشهورترین آثار خود یعنی نامه‌های ایرانی قرار داد تا تکیه‌گاه نظریه‌ها و اندیشه‌های وی باشد و از راه این برکت یکی از شاهکارهای تخیلی قرن هیجدهم را خلق کرد.

منتسکیو

«سارل لویی دو سگوندا، بارون دولابرد»^(۱) ملقب به «منتسکیو» در ۱۸ ژانویه ۱۶۸۹ در لابرد، نزدیک بوردو، در زادگاه مونتنی^(۲)، چشم به جهان گشود. خویشن را به شوخی بازمانده گوت‌هایی می‌خواند که پس از تسخیر امپراتوری روم در همه جا حکومت‌های فردی و آزاد تأسیس کردند. به هر حال، وی هم از نجبای شمشیر بود و هم از نجبای ردا. پدرش سردادرس گوین بود که از راه زناشویی با مادر منتسکیو، مالک قلعه و قلمرو لابرد شده بود.

سه سال اول عمر منتسکیو در میان دهقانان قریه گذشت. در یازده سالگی وی را به کالج اوراتوریان^(۳) در ژویی^(۴)، مرکز ترویج بلاغت و سخنوری، واقع در سی کیلومتری پاریس فرستادند. در شانزده سالگی برای تحصیل علم حقوق به بوردو بازگشت، در نوزده سالگی تحصیلات خود را در مدرسه حقوق به پایان رساند. پدرش در سال ۱۷۱۳ درگذشت و برای او ملک و ثروتی قابل توجه به یادگار گذاشت. سال بعد به نمایندگی پارلمان بوردو رسید.

1. La Brède

2. Montaigne

3. Les Oratoriens

4. Juilly

عمویش که ریاست پارلمان بوردو را خریده بود^(۱)، در سال ۱۷۱۶ مقام و ثروتش را برای او به ارث گذاشت. در زمان تصدی نمایندگی پارلمان او بیشتر وقت خود را به مطالعه سپری کرد. بعد از پایان تحصیلات در علم حقوق روی به علوم طبیعی آورد و مقالاتی در این باب نوشت. از جمله: بحث در باب علل پژواک، بحث درباره علل جاذبه و مقالاتی از این قبیل. او به آزمایش‌هایی نیز دست زد، و در نظر داشت تاریخ زمین‌شناسی بنویسد، هر چند که این کتاب هرگز چاپ نشد، نویسنده بعدها این مطلب را در کتاب روح‌القوانین گنجانید.

در سی و دو سالگی، با انتشار درخشان‌ترین اثر خود یعنی نامه‌های ایرانی (۱۷۲۱) مردم پاریس قرن هجدهم را متوجه خود ساخت. این کتاب بدون ذکر نام نویسنده در آمستردام هلند منتشر شد. عدم ذکر نام نویسنده به قول خودش به این علت بود که کتاب حاوی مطالبی است که با شأن رئیس پارلمان تناسب ندارد. ولی دلیل اصلی این کار فرار از زندان و حتی ارتداد بود. طرح این کتاب از اثری با عنوان «جاسوس ارباب بزرگ»^(۲) (۱۶۸۴)، اثر «جووانی مارانا»^(۳)، گرفته شده است.

در سال ۱۷۲۵ منتسکیو اثر شاعرانه کوتاه خود موسوم به «پرستش‌گاه گنبد»^(۴) را با عشق سودایی برای «ماری آن دو بوربون»^(۵) - خواهر دوک دو بوربون - که در سال ۱۷۲۳ به نخست‌وزیری رسید، سرود. وی با ذکر این مطلب که این مجموعه شعر از زبان یونانی ترجمه شده، نکات غیر اخلاقی و هزل‌آمیز آن را تعدیل کرد و بدین ترتیب موافقت شاه را برای به چاپ رسانیدن آن جلب نمود.

او پس از این که کتب و رسائل فلسفی و علمی انتشار داد، در سن چهل سالگی به فکر مسافرت افتاد و به غالب کشورهای اروپا سفر کرد، در اوضاع و احوال کشورهای مختلف اروپا مطالعات اجتماعی نمود، مدت زیادی در کشور انگلستان در علوم و مسایل سیاسی

۱- در آن زمان مناصب دولتی قابل خرید و فروش بود.

2. L Espion dans les cours

3. Marana

4. Temple de Gnide

5. Maria_ Anne de borbon

کندوکاو کرد، آثار بزرگان و افکار اجتماعی آن کشور را به دقت مطالعه کرد. در طی دیدارش از ایتالیا، عظمت و شکوه روم باستان دوباره در برابر دیدگان منتسکیو قد برافراشت، کندوکاو و تحقیق در باب ادبیات روم و یونان، او را به شناخت این بخش از جهان مشتاق تر نمود. دیدار از ایتالیا او را به فکر تعریف عظمت قدیم روم انداخت و این موضوع در نتیجه شوق مطالعه در ادبیات روم و یونان قدیم در ذهنش جای گرفت، تمدن روم طوری او را شیفته خود ساخت که نهایت آرزو و آمالش نوشتن کتابی در باب عظمت روم قدیم شد، بدین ترتیب ذکر دلایل عظمت و علل انحطاط روم را عنوان یکی از کتاب‌های خود قرار داد. در سال ۱۷۳۴ کتاب «ملاحظات دریاب علل عظمت و انحطاط روم»^(۱) را به رشته تحریر در آورد. او سرانجام حاصل مطالعاتش در باب مسایل فلسفی، سیاسی و تاریخی را در کتاب عظیم «روح القوانین»^(۲) (۱۷۴۸) به چاپ رساند. در سال ۱۷۵۴ نمونه بازبینی شده نامه‌های فارسی را انتشار داد. و سرانجام بعد از ابتلا به تبی سخت روز ۱۰ فوریه سال ۱۷۵۵ دار فانی را وداع گفت.

منتسکیو و شرق

اساساً شرق‌شناسی در غرب از قرن نوزدهم هم‌زمان با نهضت رمانتیسم و توجه جهان به شرق گسترش یافت؛ هر چند در عصر منتسکیو، رمان‌نویسی که به مشرق جادویی و سرزمین‌های اسلامی یعنی قلمروی داستان هزار و یک شب افسانه‌ای چون مضمونی اسرارآمیز می‌پرداخت معمول و متداول گردیده بود، مسافرت به خاور زمین در حال افزایش بود و سیاحت‌نامه‌ها رو به گسترش.

کتاب هزار و یک شب به تازگی از سوی «آنتوان گلان»^(۳) به فرانسه برگردانده شده بود و

1. Considérations sur les causes...

2. L'Esprit des lois

3. Antoine Galant

سیاحان مشهور غرب چون «تاورنیه»^(۱)، «شاردن»^(۲) و «تورن فور»^(۳) اطلاعات زیادی را از مشرق زمین، به ویژه ایران با خود برای اروپاییان به ارمغان آورده بودند. منتسکیو با کنجکاوی و کتاب‌دوستی و به حکم شرق‌مآبی که معمول بود، آثار این جهانگردان را بررسی کرد و از این رو نسبت به ایران توجهی خاص پیدا کرد و آن را در «نامه‌های ایرانی» نشان داد. گرچه عمده نظرات مؤلف رمان‌نویسی سیاسی بود، وی در ذکر وقایع تخیلی و وهمی بیشتر از واقعیت کار کرده است و صرفاً از منظرگاه اصولی که خود تأسیس کرده بود به شرق می‌نگریست، بنابراین شرق در آثار او بسیار ظاهرینانه و سطحی است. و در این بین، بیش از آن‌که اهل شرق به شرقیان شبیه باشند، از خصوصیات ظاهری شهروندان اروپایی برخوردار بودند.

در نتیجه منتسکیو هیچ‌گاه شرق را از منظرگاه شرقیان نگاه نکرده تا معنی حیات شرقی را دریابد و بفهمد که معنی و مفهوم آزادی در این حوزه فرهنگی چیست. او در کتاب نامه‌های ایرانی تخیل را تا آن‌جا پیش برد که حتی نام شخصیت‌های واقعی رمان یعنی «ریکسا»^(۴)، «ازبک»^(۵)، «ردی»^(۶) و... را به صورت ایهام آورده است. اطلاعات او درباره شرق محدود به آثار مورخان و سیاحان غربی و یونانی بوده، بنابراین شناخت او از ایران نیز بسیار سطحی و کم‌عمق بود. در باره احوال و آداب ایرانی، صرفاً بر سیاحت‌نامه‌هایی که راه‌مبالغه را پیموده‌اند و اخبار مشهور در میان عوام و خواص را منعکس کرده‌اند، اکتفا نموده است. آنچه که در این بین برایش مهم بوده اثبات اصول تفکر سیاسی و اجتماعی خویش بوده است.

منتسکیو به تمدن و فرهنگ روم و یونان عشق می‌ورزد و مدینه فاضله خود را در آن فرهنگ و تمدن می‌بیند. بنابراین می‌توان دریافت که او رو به غرب دارد و پشت به شرق و

1. Tavernier.
3. Tournefort
5. Usbek

2. Chardin
4. Rica
6. Rhédi

هر آنچه ضد رومی و یونانی است نمی‌پسندد، از این رو راه و رسم شرقیان را نمی‌پذیرد. به عنوان مثال، شرق‌شناسی فیزیکالیستی وی به نحوی است که حکمت معنوی مردم شرق را ناشی از طبیعت بیمار آن تلقی می‌کند؛ او به هیچ وجه نمی‌تواند با مشرق‌زمین هم‌سخنی و همدردی داشته باشد، از این جاست که بی‌عملی را لابلایگری و گریز از معاش می‌داند، در حالی که بی‌عملی و آرامش امری است روحی و خود نحوی فکرکردن است. از این روی آزادی معنوی و روحی که شرق کهن به سوی آن و در جست‌وجوی آن بوده با آزادی صوری و نفسانی غرب نمی‌تواند همسان باشد.

نظریه استبداد شرقی

یکی از آرای خاص مورخان و فیلسوفان غرب که در نوشته‌های سیاحان آمده نظریه استبداد شرقی است. یعنی اعتقاد به ترقی و تقدم تمدن اروپایی نسبت به تمدن‌های غیر اروپایی؛ به بیان دیگر، از این نگاه، تمدن غربی عالی و تمدن غیر اروپایی پست می‌نماید. استبداد شرقی بر احساس حیوانی در برابر خطر یعنی ترس و استبداد غربی بر اساس خورد و منطق انسانی استوار است! از این مبناست که دومی را استبداد منور تعبیر می‌کنند و اولی را استبدادی تاریک و وحشیانه.

استبداد شرقی، سیاست همیشگی مشرق زمین و از خصایص طبیعی و ذاتی شرقیان به شمار می‌رود. از آغاز برخورد شرق و غرب به ویژه تماس غرب با اسلام، نوعی بیگانگی نسبت به اسلام در میان مسیحیت پیدا شد و با ارتباط ضعیف فرهنگی میان این دو تمدن و فقدان یک گفت‌وگو و احتجاج متعادل، همواره دو صورت دگرگون‌شده برای پیروان این دو تمدن وجود داشته است. وجه بارز آن صورت ممسوخ اسلام در اذهان مسیحیان غربی است. بدون تردید بسیاری از شرق‌شناسان با نظر تحقیر به جوامع ما نگاه کرده‌اند و سیاحان غربی بیشتر در خاور زمین به دنبال سوداگری و کسب سود بوده‌اند تا پژوهش و تحقیق؛ به عنوان نمونه می‌توان به شاردن - سیاح عصر صفوی - اشاره کرد. برخی از شرق‌شناسان نیز

علاقه‌مند به تحقیق و دانستن بودند، البته این‌که انگیزه آنان چه بوده در این مقاله نمی‌گنجد. چنین به نظر می‌رسد که این نوع شرق‌شناسی و یا به عبارتی شرق‌سازی و ارایه یک چهره منفی از این خطه ریشه در رویدادهای تاریخی دارد که می‌توان به مواردی هم‌چون جنگ‌های صلیبی و قیادت امپراتوری عثمانی بر شرق اروپا و فروپاشی بیزانس اشاره کرد. تمامی این مسایل سبب گردید تا این چهره از شرق و اسلام با خطابه‌های کلیسایی و نظریه‌های شرق‌شناسی تیره و تارتر شود.

از لحاظ تاریخی نظریه استبداد شرقی به آرای یونانیان برمی‌گردد. هرودوت مورخی است که این احساس را باز می‌گوید. در دوران اسلامی و جنگ‌های صلیبی در بسیاری از آثار مورخان مسیحی آشکارتر بیان شده و سرانجام پس از رنسانس به صورت نظریه رسمی تدوین گردید. در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی کاشفان و جهانگردان اروپایی شالوده حکومت‌های شرقی را استبدادی تصور می‌کردند و استبداد شرقی را فراگیرتر و ظالمانه‌تر از استبداد غربی می‌پنداشتند.

منتسکیو برای نظریه استبداد شرقی اهمیت زیادی قایل بود؛ وی روح اروپا را با استبداد و مظالم رایج در آسیا ناسازگار می‌دید و غالباً در تبیین تئوری استبداد شرقی بارها به کشورهای اسلامی اشاره می‌کند و در حالی‌که مذهب اروپایی مسیح را نسبت به خودکامگی بیگانه می‌پندارد، شیوه‌های حکومتی مسلمانان را لزوماً با بی‌رحمی و آدم‌کشی همراه می‌بیند. در پیوند با نظریه استبداد شرقی منتسکیو، بعدها نظرات جدید و مدرن‌تری درباره جوامع شرقی بیان شد. اگرچه این نقطه‌نظرات ظاهراً عملی در مقام تحلیل و شرح، نحوی از حیات سیاسی است اما در واقع همواره محملی برای اثبات غرب و انکار کل معانی و فضایل شرق بوده است. این مسأله زمانی وضوح بهتری می‌یابد که منتسکیو و معاصران او از استبداد غربی که به نظرشان با اعتدال طبیعت اروپاییان تناسب داشته سخن می‌گویند.

دولت‌های اروپایی عصر منتسکیو به عنوان مظهر مسیحیت رسمی و پادشاهان مسیحی اروپا در استبداد و ظلم و ستم نسبت به رعایا کمتر از هم‌تایان غربی و استبداد شرقی خود

نبودند. دیگر این‌که دیانت اسلام و مسیحیت هیچ‌کدام با استبدادهای حاکم جور موافق نبوده و آن‌چه در تاریخ به نام اسلام و مسیحیت مطرح شده، صرفاً اسمی از این دو دین آسمانی داشته‌اند و از اسلام و مسیحیت کمتر اثری در اعمال این دولت‌ها مشاهده شده است. پس دور از انصاف و منطق خواهد بود که این نسبت‌های ناروا را با شرق و به ویژه اسلام و ممالک اسلامی ممزوج بدانیم.

نامه‌های ایرانی منتسکیو

منتسکیو چون همه شرق‌شناسان قرن هجدهم، پیش از این‌که با شرق تماس مستقیم داشته باشد، سرزمین ایران تخیلی را برای بسط افکار خود و انتقاد غیرمستقیم از جامعه و نظام سیاسی فرانسه آن زمان برگزید. او برای بیان آرای خود از شیوه غیرمستقیم بهره‌گرفت و با نهران روشنی به تخریب تعلیمات سنتی در زمینه دین‌شناختی و جامعه پرداخت. در عصر منتسکیو، شاه متأثر از اندیشه تجدیدزده حق الهی پادشاه، خود را نایب خدا می‌دانست، و چنان می‌پنداشت که از منبع فیض الهی و نور هدایت روح‌القدس بهره‌مند است و نمی‌پسندید که جمعی از رعایا عقیده‌ای غیر از مذهب او داشته باشند، از این رو مخالفان او یعنی پروتستان‌ها تحت تعقیب بودند. با توجه به سیاست دینی لویی چهاردهم، که می‌توان آن را استبداد دینی فارغ از بارقه نور تقدس خواند، کسی اختیار عقیده دینی و آزادی در این باب را نداشت. کشیشان با برخورداری از موقعیت برجسته خود، گاه در مقام نظریه‌پرداز پادشاه ظاهر می‌شدند. مقامات عالی‌روحانی، اشراف متمول با اخلاقی منحط و پوسیده هیچ اثری از تعلق و وابستگی ربانی نداشتند. اما به تدریج تعارضات طبقاتی میان کشیشان بروز کرد و باورهای دینی و اعتقادات قرون وسطایی و تجربه دین در صورت جدید آن شدت پیدا کرد.

در این اوضاع و احوال منتسکیو در صدد برآمد تا با نشر نامه‌های ایرانی نظام اجتماعی دوران خویش را به مبارزه بطلبد. کتاب مرکب از ۱۶۱ نامه و مشتمل بر سه قسمت کلی

است: نخست زمان که اساس کتاب را به وجود آورده، دوم قسمت انتقاد از جامعه فرانسه، سوم امعان نظر در سازمان و قوانین اجتماعی که در واقع این قسمت مقدمه روح‌القوانین است.

این نامه‌ها متعلق به دو نجیب‌زاده ایرانی به نام‌های ریکا و ازبک است که در طی نه سال اقامت در فرانسه، به منظور تحقق و تفحص در باب آداب و رسوم مردم این دیار، به دوستان خود در اصفهان نوشته‌اند. نامه‌ها گذشته از تعصبات و ضعف اخلاقی فرانسویان، از بیهودگی رفتار و معتقدات شرقیان نیز داستان‌ها می‌گویند. خواننده با خواندن کتاب خنده‌اش می‌گیرد و با حسن نیت بیهودگی رفتار و معتقدات خود را نیز می‌پذیرد.

این کتاب موفقیت زیادی به خصوص در میان طبقه حاکم که بیش از همه مورد تمسخر قرار گرفته بود کسب کرد. با وجود آن‌که در چاپ‌های نخستین آن ذکری از نام مؤلف نرفته بود، چندی بعد بر همگان آشکار شد که منتسکیو خالق آن است. داستان بسیار ماهرانه و با نثری روشن و فاقد تکلف و تصنع و با روان‌شناسی دقیق نوع متعارف، سجایا و ذوقیات قهرمانان را معرفی می‌کند. شخصیت‌های اصلی کتاب، دو شاهزاده ایرانی یعنی ریکا و ازبک هستند. ابداع این دو شخصیت مولود دوگانگی شخصیت منتسکیو است: فیلسوف و عیاش. وظیفه ترسیم منظره خنده‌آور و سرگرم‌کننده، با لحن فکاهی به شیوه ولتر، به ریکا محول شده است. حال آن‌که ازبک بازیگر اصلی بوده و در مرکز همه دسیسه‌های حرمسرا قرار دارد. قضاوت‌ها و اظهارنظرهایش ایرانی و مذهبی است، قبل از هر چیز، مسأله سعادت فکرش را به خود مشغول می‌سازد. نخستین عکس‌العمل‌هایش جنبه مذهبی دارد، سپس صورت ادبی، اخلاقی، فلسفی و اجتماعی می‌یابد و بدین ترتیب تحولی در او روی می‌دهد. او با آزادی روحیه و فکر یک نفر فرانسوی، مسأله قدرت و اختیارات شاهزادگان و شاهان و نقص و عدم کفایت قانون‌گذاران را مورد بحث قرار می‌دهد. با این وصف، این بزرگ‌زاده ایرانی، که به خاطر ذوق به حقیقت و فضیلت محسود وزیران شده و از سلطان هم عنایتی ندیده، همواره با تفرعن و وقاحت، در باب آداب و عادات فرانسویان داوری می‌کند.

آیا این دو شخصیت ایرانی هستند؟ هر دو از ایران اعزام شده‌اند و نامه‌هایی از ایران یعنی از زن و خواجهگان دوستان آنان می‌رسد و اوضاع شرق و ایران را برای آنان وصف می‌کنند. آن دو هم در مورد پاریس به یاران می‌نویسند و از هر دری سخنی می‌گویند: گردآمدن پارسی‌ها برای تماشای این دو ایرانی، وضع مردم در کافه‌ها و مهمانی‌ها، اشخاص فهمیده که با هم در رقابتند، پیرزنانی که خود را جوان جلوه می‌دهند، خاورشناسانی که ایران را بهتر از آنها می‌شناسند، ادیبانی که نظرات ادبی دارند و مطالبی از این قبیل.

منتسکیو در این کتاب با وصفی ساده از زبان این دو نفر تندترین و نیش‌دارترین طنزها را به کار می‌برد و لویی چهاردهم و رجال عهد خود را مورد سرزنش و نکوهش سخت قرار می‌دهد. مثلاً در نامه‌ای می‌خوانیم که پادشاه فرانسه وزرای خود را از میان نوکران انتخاب می‌کند که این کنایه‌ای آشکار به نجبایی است که هنگام بیدارشدن پادشاه در کنار تخت او حضور به هم می‌رسانند. ریکا و ازبک هر چیزی را که در نظرشان عجیب و نامعقول جلوه نماید برملا می‌سازند. هر دو نماینده اخلاق و عقاید نویسنده هستند و در واقع کتاب نامه‌های ایرانی به صورت یک تحلیل نفس از خود منتسکیو در آمده و عقاید او را نسبت به جامعه، سیاست، دین و دیگر امور بیان می‌کند، کاری که با نرمی و ملایمت صورت گرفته است.

در مورد مسایلی از قبیل فلسفه، دین، جنگ و صلح، استعمار، هنرهای زیبا، تجمل و فضایل اجتماعی، سازمان و اشکال حکومت نیز در این کتاب مطالبی بسیار به چشم می‌خورد. خودکشی نیز از نظر منتسکیو نشان از اختیار انسان در زندگی یا مرگ دارد؛ او خودکشی را حق طبیعی انسان می‌داند. رکسانا یکی از شخصیت‌های رمان که از روی عناد و نافرمانی از شوهر تحمیلی خویش در آخر کتاب دست به خودکشی می‌زند از قول منتسکیو می‌گوید: «چرا هنگامی که از زندگی خود راضی نیستیم باید در حفظ آن بکوشیم؟» این سخن گویای حال هر برده یا ملتی است که گرفتار حاکمی مستبد و زورگو شده است.

از سوی دیگر، نویسنده، زبان‌های حکومت مستبد و لابی‌الی را گوشزد کرده و از

محسنات یک سازمان مبتنی بر آزادی، خردورزی، برابری و میانه‌روی سخن می‌گوید. چنان‌که در نامه‌های ایرانی می‌بینیم منتسکیو معتقد به خداست، ولی خدای دکارتی و به دور از غلبه تفکر سنتی. از نظر او ادیان آن‌قدر که موضوع تقدس نیستند، جلوه جدال و مناظره‌اند. کلیساها فقط در جست‌وجوی منافع خویش‌اند، پاپ افسونگری بیش نیست و اسقف‌ها ایمان را به این منظور که بتوانند آن را از طریق آزادی‌ها و تساهل رونق بخشند و در پی آن به منافع خود برسند جعل می‌کنند. چه کسی می‌توانست از این نکته‌ها و ظرایف ناآگاهانه، این ضربه‌هایی که از سر ادب با شمشیرهای دکمه‌دار وارد می‌آید، رنجیده خاطر شود؟ ضمناً پاره‌ای از نامه‌های ازبک حاوی افشاگری‌های فریبنده‌ای درباره حرمسرای او در اصفهان است.

در دوران نیابت سلطنت به رغم بدعت‌های سیاسی و دینی، کتاب نامه‌های ایرانی توانست از خشم دولت مصون ماند. شاه پیشین مرده بود و شاه جدید خردسال، و نایب‌السلطنه مردی بود شوخ و روادار. در پناه این رواداری، منتسکیو توانست خوانندگان نامه‌های جهانگردان ایرانی را به فرمانروای «جادوگر» بخنداند، همان فرمانروایی که موجب شده بود فرانسویان پول را کاغذ تصور کنند. او آنان را با فساد دربار، کاهلی و تن‌پروری اشراف، و نابسامانی وضع مالی کشور آشنا کرد. منتسکیو در پناه این وضع توانست خوانندگان اثر خویش را بر آن دارد تا به جمهوری‌های کهن یونان و روم و جمهوری‌های معاصر انگلیس، هلند و سوییس به دیده تحسین بنگرند.

ازبک از قول نویسنده می‌گوید: حکومت فردی پدیده‌ای غیرعادی است که همواره به استبداد منتهی می‌شود. در جای دیگر طبیعت بشر و مسأله دین و حکومت با ذکر داستانی از ترولگودتی‌ها^(۱) مطرح می‌شود. ازبک با طرح این حکایت از زبان منتسکیو این‌گونه نتیجه می‌گیرد: «دولت ضروری است، ولی هرگاه متکی به فضیلت فرمانروا و فرمانبردار نباشد، کاری از پیش نمی‌برد.»

در جای دیگر رهبانیت کشیش‌های کاتولیک را به باد انتقاد گرفته و کاهش جمعیت بخشی از جهان را ناشی از آن می‌داند. از یک از این‌که می‌شنود اروپاییان به جای خدا و پیامبر اسلام (ص)، مسیح را می‌پرستند و از این روی همگی به دوزخ خواهند رفت اندوهناک است. ولی هنوز امیدوار است که اینان سرانجام به اسلام بگروند و نجات یابند.

کتاب نامه‌های ایرانی بسیار غنی است. در مباحث شرقی آن عناصری را می‌توان یافت که ایرانی محض هستند. گویا توجه و علاقه مداوم منتسکیو، در حین نگارش این کتاب به آن بوده است که روحیات ایرانی را با مشابهت هر چه بیشتر به حقیقت، از نو مجسم سازد و مراحل تحول مسافران ایرانی در فرانسه را که همان دو شخصیت اصلی رمان و به عبارتی دو جنبه از شخصیت منتسکیو را در تماس با مردم غرب را وصف و تصویر نماید. هر چند که ظاهربینی و قضاوت نویسنده بر اساس عقل سیاسی چنان است که او همه چیز را از منظر سیاسی نگاه می‌کند و به ماهیت و باطن امور کاری ندارد. نویسنده در این کتاب در جست‌وجوی طرح یک معیار و ملاک تشخیص پاره‌ای اصول است و چندان توجهی به مواد مطالب ندارد. و اغلب مطالب مرتبط با اسلام و ایران حکایت از آشنایی اندک او با اسلام و ایران دارد، به گونه‌ای که او برای اثبات نظرات خویش ناچار است به استنباط آرا و احکام روی آورد.

در مورد علت انتخاب ایران و منتقد ایرانی برای پرده برداشتن از اوضاع فرانسه آن زمان باید گفت، این امر به چند دلیل بود. نخست رواج سفرنامه‌های مرتبط با شرق، دوم کارهای عجیب و غریب «محمد رضا بیگ» - سفیر کبیر ایران در پاریس - که نقل محافل و مجالس شده بود. هم‌زمانی ترجمه هزار و یک‌شب از سوی «انتوان گالان» (۱۷۰۴ - ۱۷۱۷)، انتشار سفرنامه‌های «ژان شاردن» و «ژان تاورنیه»، حضور سفیر کبیر عثمانی تا ژانویه ۱۷۲۱ که با زیبایی پوشاک شرقی و رفتار خود مردم پاریس را فریفته بود، و چاپ و انتشار کتاب جاسوسی «اریاب بزرگ» (۱۶۸۴)، اثر «مارانا»، منتسکیو را بر آن داشت تا برای نقد جامعه معاصر خود و در امان ماندن از خشم حاکمیت مذهبی و سیاسی، به صورت غیرمستقیم و با

استفاده از اختراع یک سرزمین فارس تخیلی، معایب جامعه خود را برملا سازد. منتسکیو، اگر چه در ذکر چندین حکایت ایرانی در کتابش عناصر رنگ و روی واقعی ایرانی را یافته است، ولی این عناصر تنها برای تکمیل اسناد و مدارک وی در باب ایران، به صورت فرعی دخیل بوده‌اند، و اگر تناسب آنها آگاهانه رعایت نمی‌گردید، چه بسا به کتاب گزند می‌رسانید. او برای این‌که بر پیکر تخیلات خود جنامه عمل ببوشاند، نیازمند به اطلاعات وسیع و پردامنه‌ای بود که آنها را از این سفرنامه‌ها به دست آورد، و با نوشتن یک کتاب تخیلی، از طریق بازسازی حوادث و محیط آنها، با سرمشق گرفتن از این همه سفرنامه و اختراع یک سرزمین فارس خیالی، در صدد برآمد تا روحیه افراد جامعه خویش را از نو بسازد. بنابراین موضوعات نیش‌دار روز و سفرنامه‌های متعدد مربوط به ایران و اسناد و مدارک کافی با هم توافق و سازگاری کردند تا قیافه یک منتقد اوضاع فرانسه دوران نیابت سلطنت را که گاه‌گاه لحنی بسیار شدید داشت، تغییر داده و او را ایرانی جلوه‌گر سازند. اگر چه باید متذکر شد که منتسکیو، با کمال تیزهوشی و فراست، مدعی نیست در کتاب خود تصویرهای درست و دقیقی از ایرانیان ساخته باشد.

در این جا بجاست جهت بهتر نمایاندن محتوای اندیشه‌های منتسکیو در این کتاب گوشه‌هایی از نامه‌های او آورده شود. در نامه ۲۶ از یک خطاب به رکسانا این‌گونه می‌نویسد: «خوشا به حال تو که در سرزمین فارس خرم و آباد و اندر سرای من و به دور از چشم نامحرم و نه در این دیار پر معصیت غرب روزگار می‌گذرانی، جایی که نگاه شهوت پرست مردان تو را نبیند. حتی نگاه پدرخوانده‌ات برای یک بار بر رخسار تمام رخت نیفتاد.»

در نامه ۳۵ از یک به پسرعمویش - جمشید - چنین آمده است: «ای درویش والا مقام بگوی تا راجع به ترسایان چه می‌اندیشی، پنداری که اینان روز قیامت هم چون ترکان عثمانی سنی مذهب در هیأت چهارپایانی در خواهند آمد که چهارنعل اهل جهود را سوار بر خود به دوزخ در خواهند افکنند، گمان نمی‌کنم سر از بهشت در آورند. و علی مرتضی را مددی به آنها نخواهد رسید. و از این‌که مساجدی نساختند در عذاب اخروی تا ابد خواهند ماند.»

در نامه ۳۸ ریکا در زمینه آزادی زنان به این چنین می‌نویسد: «اگر چه از دیدگاه غریبان تضييع حقوق زنان دور از عدل و انصاف است، در نظر مرد آسیایی اغفال و اهمال مردان از حق مسلم فرمانروایی بر زنان که طبیعت آن‌را بر مرد ارزانی داشته نشانه پستی و زبونی است.»

نامه ۱۰۳ از یک به این حاوی این مطلب است که: «آسیایی‌ها فقط اسم شاه خود را می‌دانند و به جای احترام به خود فرمانروا تاج و تخت او را ارج می‌نهند، شاهان می‌آیند و می‌روند بی آن‌که مردم تغییر محسوسی احساس کنند، گویی تاج و تخت را ارواح اشغال کرده‌اند.»

شرق و غرب، دشواری‌های گفت‌وگو

عبارت دو بخشی شرق - غرب دارای قرائت‌های گوناگونی است که بیان‌گر تکوین و شکل‌گیری روند پیچیده آن می‌باشد و در آن، عوامل تاریخی، دینی، سیاسی، ایدئولوژیکی بی‌شماری دخالت دارند، تا جایی که نزدیکی دو مقوله، بدون برانگیختن حساسیت لازم به نفع این و آن، ممکن نیست. این‌که چگونه می‌توان در این مفاهیم تغییر ایجاد نمود، موضوع فراتر از داده‌های تاریخ کنونی و اقتضای روابط اصولی و تاریخی است.

تقابل شرق و غرب به زمان‌های دور، یعنی زمان ظهور اسلام برمی‌گردد. دین اسلام از آغاز پیدایش به صورت مشکلی برای اروپای مسیحی در آمد. روابط جهان اسلام (دارالسلام) و جهان اروپا (اروپای مسیحی) فراز و نشیب‌هایی از جنگ و معاهدات صلح، اشکالی از همکاری و هم‌بارورسازی و نبردهای بی‌شماری را شاهد بوده است. نبردهای پیاپی به جلوه‌های نظامی بسنده نکرد، بلکه مظاهر فرهنگی و روانی را نیز به همراه داشت و از ابزارهای ذهنی برای سیطره مادی و فکری در اشکال گوناگون آن استفاده شده است.

این تقابل از یک سو به اسلام باز می‌گردد چون‌که بر اساس تعالیم مذهبی، این دین آمده است تا نواقص سایر ادیان را اصلاح و ترمیم کند. و از سویی مفهوم دیگر (غرب) به جو جغرافیای آکنده از مدارک تمدن اشاره دارد که بر میراث بی‌زانس و میراث نهضت اروپا و انواع

دستاوردهای تمدن که در قلب جغرافیای اروپا طی بیش از چهار قرن متولد شد و سایر قاره‌ها را فراگرفت، تکیه دارد. تضاد موجود در عملکرد غرب از این امر ناشی می‌شود که ممالک غربی از یک سو به گشایش بخشی علمی جهت شناخت اسلام در دانشگاه‌هایشان مبادرت می‌کنند و بحث علمی در زمینه پدیده اسلام‌گرایی در اشکال گوناگونش را تشویق می‌نمایند، تا جایی که سالانه مقالات مهمی درباره شناخت اسلام و میراث آن منتشر می‌شود. این در حالی است که در جای دیگر به نظریه «هانتینگتون» بر می‌خوریم که براساس آن زمان خاتمه جنگ سرد میان غرب سرمایه‌داری لیبرالیستی و غرب سوسیالیستی به تولد دشمنی جدید منجر شده، دشمنی که با آنچه در آن‌چه در توان دارد، به مقابله با تمدن غرب، تمدنی که زمام ابتکار تاریخ نوین را در دست دارد، می‌پردازد. با این تعبیر اسلام همانند دشمنی قدیمی و در کمین غرب نشسته است، زیرا شکل‌گیری تمدن غرب و اصول آن را مانند دستاوردهای آن رد می‌کند.

دیدگاه جدید غرب نسبت به تاریخ به گونه‌ای است که تمدن غرب را به عنوان افقی پیشرفته برای انسانی که زمان حال خود را می‌سازد، قواز می‌دهد. این نگرش، اسلام را از تاریخ جدا می‌سازد و آن را در مسیر دیگری از تحول و در ردیف دوره‌های طفولیت انسانیت قرار می‌دهد. در طرف مقابل عده‌ای در جهان اسلام معتقدند که اروپا با اکتشافات علمی، در زمینه محدودسازی و کنترل نسل‌ها، چه‌بسا به اختراعی دست یابد که به زودی به انقراض قریب‌الوقوع آن منجر شود.

بنابراین چگونه می‌توان در این میان گفت‌وگوی مشترکی را بین دو طرف برپا ساخت؟ چگونه می‌توان بر جنگ‌هایی که طی چندین نسل متجلی شدند، فایق آمد؟ چگونه می‌توان رابطه میان اسلام و غرب را پس از همه اینها در چهارچوبی خاص فهمید؟ به نظر می‌رسد که در فهم رابطه میان اسلام و غرب، نمی‌توان پیشرفتی حاصل کرد، مگر با جداسازی ارتباط اولاً میان دو مفهوم نابرابر و سپس بازسازی آن در فضایی نوین، به طوری که ایجاد تغییرات بنیادین و درونی هر یک از آنها را فراهم سازد. این امر می‌تواند با استفاده از نتایج گوناگون

تحولات جاری در جهان انجام پذیرد. اسلام و مسیحیت را باید در کنار هم قرار داد، به طوری که گفت‌وگویی معنوی پیرامون متافیزیک مقدس در هر دو دین، در چهارچوب ادیان دارای کتاب و دین‌های توحیدی و سایر ادیان با مشارکت طرفین انجام شود. کوشش در جهت حفظ محتوای مفاهیم و اتفاق نظر در مورد محتواها، به امکان تحقق ارتباط میان دو تمدن کمک می‌کند، از خلال این تلاش‌ها باید پل‌هایی از تفاهم ساخته شود و امکان پشت سر نهادن اصل نفی یک‌دیگر فراهم گردد. می‌توان گفتمانی را برپا داشت که مقدمات تاریخ نوینی را مهیا نماید که بر پایه ایمان به اختلافات و اعتراف به تنوع باشد، آن هم به خاطر حمایت از انسان آینده؛ انسانی که قادر است دستاوردهای تاریخ معاصر، دستاوردهای نوآوری و فن‌آوری را بدون عقده حقارت و بدون دفاع از ماهیتی که به پاکی و نجابت اصیل اصلی معتقد باشد، درک نماید. باید مواضع نقد متقابل را تغییر داد؛ باید از تعصب نظری و مواضع دارای حال و هوای جنگی و تنش‌زا، تنها به خاطر مهیامودن آینده‌ای مشترک دست برداشت. در سایه همه اینهاست که گفت‌وگوی بین‌ملت‌ها و تمدن‌ها معنی و مفهوم خود را باز می‌یابد.

نتیجه

منتسکیو بنا بر مشهورات زمانه و مبانی نظری عصر روشنگری در شرق‌شناسی و مسأله استبداد شرقی، در آثار خود به این نتیجه می‌رسد که هر آنچه متعلق به شرق و ادیبان شرقی است، منشأ استبداد است در حالی که مسیحیت غربی از استبداد دوری می‌جوید. شاید نویسنده کتاب «نامه‌های ایرانی» غافل از این امر بوده است که اساساً با ارزش و تفکر غربی نمی‌توان فکر و عمل شرقیان را سنجید و رد یا قبولشان کرد. البته منظور این‌جا شرق حقیقی است که اکنون در حجاب غرب مستور و نهان است و فقط ظاهری از حیات مسموخ دینی و دنیوی آن در نامه‌های ایرانی منتسکیو مشاهده می‌شود.

از این ملاحظات که بگذریم کتاب نامه‌های ایرانی مزیت‌هایی اساسی نیز دارد و

ایران در نامه‌های ایرانی منتسکیو ۱۳۳

بی جهت نیست که آن همه اشتها پیدا کرده است. انشای کتاب روشن و روان و از زینت‌های زاید الفاظ عاری و در عین حال مؤثر و گاهی نمودار تهیج است. خواص و سجایای اشخاص بسیار ماهرانه نموده شده است و قابلیت نویسنده در انسان‌شناسی در آن نیک پیداست.

منابع و مأخذ

- ۱- دورانت، ویل. تاریخ تمدن عصر ولتر. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
- ۲- منتسکیو، روح القوانین. نگارش و ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: چاپ کاویان، چاپ سوم، ۱۳۳۴.
- ۳- شیبانی، ژان. سفر اروپاییان به ایران. تهران. ۱۹۷۶.
- ۴- محمد مددپور. مبانی اندیشه‌های اجتماعی غرب از رنسانس تا عصر منتسکیو. تهران: انتشارات تربیت، ۱۳۷۲.
- ۵- ملاحظات در باب علل عظمت و انحطاط رومیان. ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی. تهران: انتشارات امیرکبیر، اسفند ۱۳۴۵.
- ۶- نامه‌های ایرانی. ترجمه حسن ارسنجانی. تهران: کتاب‌فروشی مروج، ۱۳۳۰.
7. Becq Annie, lettres persanes, Gallimard, 1999.
8. Chaybany Jeanne, les voyages en Perse et la pensée française au 18 siècle, Teheran, 1971.
9. Benet Robert, etude sur les lettres persanes, Ellipses, 1999.
10. Montesquieu, lettres persanes, edition de p. Verniere, Paris, 1960.
11. Starobiski Jean, Montesquieu, Seuil, 1994.
12. Versini Laurent, lettres persanes, Flammarion, 1995.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی